

«تا آسمان» برای آزادی روح و روان

گزارش روز



روزنامه نگار و فعال فرهنگی

در همه لحظه هایی که رحل ها چیده می شوند، قرآن ها از قفسه ها یا از داخل هربندی برداشته و مقابل چشمان مددجویان بازمی شود. کسی آن ها را به دید مجرم، منتهم، باغی، کلاهدردار، قاتل و در یک کلام به چشم زندانی نگاه نمی کند. در این لحظات آن ها را به چشم قرآن آموزهایی که داوطلبانه پای یادگیری و حفظ آمده اند، حتی تحسین هم می کنند. از سرزنش های همیشگی که از اقوام و آشنا و... برای افتاد نشان به پشت میله های زندان به گوششان رسیده است، خبری نیست. به جای سرزنش، حضورشان برای یادگیری و حفظ قرآن تحسین می شود. همه دورهم حلقه می زنند، صدای صلوات زیر یکی از سقف های زندان را پژ می کندو خواندن قرآن شروع می شود. همه به احترام قرآن، از کل کل ها، بحث ها، تنش ها وبگو مگوهای همیشگی برای ساعتی، دور می شوند. صداها را صاف می کنند، آراسته و منظم، شانه به شانه هم نشسته اند و تلاوت را شروع می کنند. «متهاب» و «محبوبه»، دوزندانی که بارها هم بندی هایشان شاهد جروبحث ودعاهای آنان بودند، حالا ساعت قرآن که شروع شده است، آرام ومتین در یک ردیف می نشینند. استاد کلاس قرآنشان دقایقی از تأثیر قرآن بر روح و روان وبرکت در زندگی مؤمنان می گوید، سپس تلاوت قرآن را برای مددجویان زندان شروع می کند. استاد قرآن برای تعداد آیاتی که می خواند، با حوصله قواعد تلاوت را توضیح می دهد. در ادامه، زندانیان به نوبت همان آیات را می خوانند. اشکال هایشان را استاد اصلاح می کند. حتی برخی از کلمات سخت قرآنی را مانند کلاس اول دبستان، بارها و بارها استاد می خواند و زندانی تکرار می کند. حالا مدتی از شروع این کلاس های قرآنی گذشته و خیلی هایشان با حفظ تعداد قابل توجهی از جزء های قرآن، رفتار و گفتارشان تغییر کرده است. اعظم رضوی، استاد قرآن این کلاس های برای مددجویان زندان، با رضایت و افتخار از قرآن خوانی زندانیانی بر ایمان تعریف می کند که روزهای اول برخی از آن ها به سختی قرآن می خواندند و پراشکال و حتی در مواردی اصلا قرآن خواندن یاد نداشتند؛ اما بعد از آموزش، هم روان خوان شدند و هم حافظ بخشی از قرآن. با این استاد قرآن که خودش از حافظان کل قرآن و مربیانی است که در طول دودعه فعالیت، هزاران قرآن آموز وحافظ قرآن تربیت کرده است، گفت وگو کرده ایم که در ادامه می آید.

● برای آموزش قرآن در زندان، هرگز به دید مجرم آن ها را نمی دیدیم «تا آسمان» نام طرحی است که خانم رضوی، مدیر مؤسسه «قرآن وعترت حنیف» برای آموزش قرآن به زندانیان ارائه داده و اجرا شده است. این قرآن پژوه می گوید: این طرح با همراهی سازمان تبلیغات اسلامی به مسئولان زندان مشهد ارائه شد و بعد از موافقت، سال گذشته تفاه نامه ای یک ساله میان مؤسسه حنیف و اداره زندان های مشهد برای ترویج معارف قرآن منعقد شد. پنج نفر از استادان مؤسسه برای اجرای این طرح پای کار آمدند و پس از تعیین سطح دختران و بانوان زندانی، آموزش ها در زمینه های روخوانی، روان خوانی، حفظ، مفاهیم و تفسیر قرآن شروع شد.

خانم رضوی با اشاره به اهداف طرح «تا آسمان»، تأکید می کند: هدفمان این بود که تنش های روحی مددجویان از طریق انس با قرآن کم شود و تاب وتوانشان در مواجهه با چالش ها افزایش یابد و راحت تر به زندگی عادی برگردند که چون تجربه اولمان بود، مشکلات خاص خودش را داشت، از جمله اینکه مددجوها شناور، و به دلیل مرخصی یا آزادی در رفت و آمد بودند. از طرفی، در سنین مختلف بودند از دوازده تا حدود شصت سال. تحصیلات و سوادشان هم متفاوت بود، از بی سواد تا دکتر که با جرائم سبک وسنگین در زندان به سر می بردند. ولی ما هرگز به دید مجرم آن ها را نمی دیدیم.

در عین حال، در یک سال فعالیتمان در زندان (چهار روز در هفته و هر روز دو ساعت)، حدود ۱۵۰ نفر آموزش



واقعیت این است که امروزه وقوع جرائم وتخلفات شهری تأثیرات منفی درخورتوجهی بر نظم وآرامش شهر وزندگی روزمره شهروندان دارد.

سؤال این است که با وجود صرف هزینه های گزاف وتلاش های فراوان برای جلوگیری از وقوع این جرائم وتخلفات، چرا میزان ارتکاب آن ها روبه افزایش است؟

پاسخ را به صورت خلاصه می شود این طور توضیح داد: چون اقداماتی که در حوزه مداخلات انجام می شود، مؤثر نیست. به بیان دیگر، مداخلاتی که از سوی نظام عدالت کیفری ومدریت شهری برای کاهش این افعال خلاف قانون ومقررات صورت



حقوق دان وسرپرورش دهنده تربیتی شهروندی مشهد

می گیرد، از یک برنامه جامع کاهش و کنترل جرائم شهری برخوردار نیست. نتیجه نداشتن برنامه جامع، آسیب های متعدد است. مثلا اینکه در مواقعی تأثیر اقدامات مداخله ای همدیگر را خنثی می کنند و باعث می شوند شهروندان در زمان مواجهه با رفتارهای متناقض نهادهای عمومی وشبه عمومی، تبعیت خود از قواعد ومقررات را کاهش دهند. برنامه جامع، آن است که از ویژگی هایی مثل



داده است. درباره چگونگی علاقه خودش برای گام گذاشتن در این مسیر می پرسیم. عشق وعلاقه اش به قرآن کریم در روزهای کودکی اش ریشه دارد و می گوید: روزهایی که هنوز حتی خواندن قرآن را هم بلد نبودم، اما آرزو داشتم حافظ شوم. کلام خدا با فطرت ها عجین است. اگر فطرت پاک بماند وزنگار نگیرد، کسی نیست که به قرآن بی علاقه باشد. چنان که می بینیم عده ای با اینکه زبان قرآن وروخوانی آن را یاد ندارند، فقط با شنیدن صوت قرآن متحول شده اند.

من نیز همین طور بودم، از دوران کودکی خیلی قرآن را دوست داشتم، برنامه های حافظان وقاریان را در تلویزیون می دیدم وارزومی کردم من هم حافظ قرآن شوم. همیشه در ذهنم بود اگر قوی آرزوها که سه آرزوی بچه ها را برآورده می کند، پیشم آمد، بعد از آرزوی سلامتی وطول عمر پدر ومادرم، از او بخواهم که حافظ شوم.

● تلاش برای رسیدن به خانواده قرآنی

این درحالی بود که هیچ یک از اعضای خانواده او قاری یا حافظ نبودند و والدین نیز تأکیدی در این زمینه

نداشتند. سال ها گذشت تا پس از ورود به دانشگاه و آشنایی با یکی از استادان که مدرس وحافظ قرآن بود، خانم رضوی در مسیر رسیدن به آرزوی دیرینه اش قرار گرفت: روخوانی وحفظ قرآن را به کمک یکی از استادان دوره کارشناسی شروع کردم و هم زمان با پایان این دوره حافظ کل شدم. از آنجا که ما هفت فرزند هستیم، هم زمان با یادگیری وحفظ خودم، خواهران وبرادرم را به این کار تشویق می کردم که نهایتا آن ها هم چند جزء حفظ کردند و یکی از خواهرانم حالا جزو استادان مؤسسه مان است.

● تشکیل گروه جهادگران قرآن وعترت او با انگیزه خدمت رسانی قرآنی به عموم مردم، سال ۱۳۸۴ مؤسسه قرآن وعترت

حنیف را زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی برای گام گذاشتن در این مسیر می پرسیم. خراسان رضوی راه اندازی کرد و پس از پایان تحصیلات در مقطع کارشناسی ارشد نیز وارد حوزه علمیه شد وحالا در کنار تحصیل در مقطع سطح سه رشته تفسیر وعلوم قرآنی، در حوزه ودانشگاه نیز تدریس می کند، اما همه این ها و یک مؤسسه عادی که مانند دیگران کلاس برگزار می کند وقرآن آموزش می دهد، چیزی نبود که ذهن دغدغه مند وهمت بلند این بانوی قرآنی را راضی وقانع کند. همین نارضایتی ونداشتن حس خوب

بود که سال ۱۳۹۷ منشأ یک اتفاق جدید شد: تا سال ۱۳۹۰ مکانی را اجاره کرده بودیم ودر زمینه آموزش روخوانی، حفظ وتفسیر وبخش ویژه کودکان فعالیت می کردیم، اما پس از آن به علت ناتوانی در تأمین اجاره بها که توسط خیران یا به صورت شخصی تأمین می شد، در فضای مجازی و برخی مساجد به صورت موردی وموقت فعالیتمان را ادامه دادیم تا اینکه حدود پنج سال پیش تصمیم گرفتیم گروه جهادگران قرآن وعترت را باحضور استادان، حافظان وقاریان تشکیل دهیم تا به صورت جهادی

خدمات قرآنی با عाम المنفعه ارائه دهند که نتایج آن راضی کننده بود. این گروه حالا بیش از صد عضو دارد ودر زلزله کرمانشاه، سیل لرستان، حاشیه شهر مشهد، مدارس وزندان ها تا کنون خدمت رسانی کرده است.

● سفیران نور

«سفیران نور» دیگر طرحی است که خانم رضوی سخن از آن به میان می آورد. در تفاه نامه ای با آموزش وپرورش، سازمان تبلیغات اسلامی مربیان واستادان قرآن را که ضمن مصاحبه در مؤسسه، کارشناسی بگیرد که همین کار را کرد وحالا در هفته به عنوان معلم قرآن در همه مقاطع از دبستان تا دبیرستان به مدارس اعزام می کند.

● «یاس های خورشید» محفلی برای دهه هشتادی ها ونودی ها

این استاد قرآن می گوید: سال گذشته در زمان اغتشاشات عمیقا به این مسئله که دختران و بانوان ما از بی هویتی رنج می برند و به همین دلیل راحت فریب می خورند، پی بردم وتلاش کردم با اجرای طرح «یاس های خورشید»، این خلأ را به نوبه خودم جبران کنم. در این طرح حدود شصت نفر از دانش آموزان دختر حافظ جزء سی (که در طرح «سفیران نور» توسط معلمان ما پرورش یافته یا شناسایی شده اند)، در محله خودشان (مساجد یا منازل) هر هفته دوره می های قرآنی دخترانه برگزار می کنند که در آن، ضمن قرائت تمام یا بخشی از جزء سی، طرح معمای قرآنی، قرائت وتبیین حدیث، اجرای سرود وتواشیح و... نیز صورت می گیرد.

جرائم شهری همانند فرهنگ، جغرافیا، اقتصاد وباورهای شهروندان متنوع است واقدام مداخله ای نیز باید متناسب با آن طراحی شود.

از سوی دیگر، مداخلات باید از قابلیت پیش بینی برخوردار باشند تا شهروندان پیش بر قواعد ایستا اعتماد کنند و بداند نیازهای مشروع روزمره زندگی اش به طور مکرر وبا مداخلات گاه به گاه مدیریت شهری دستخوش اعمال سلیقه ها نمی شود. شفافیت، ضامن تبعیت حداکثری از قواعد است وشهروندان در صورتی حاضر به پذیرش قواعد هستند که بدانند اقدامات مداخله ای بدون تبعیض برای همه افراد با شرایط یکسان اجرا خواهند شد.

چشمستان روشن

چشمستان روشن

خبرهایی که حال دلمان را خوب می کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی ها، آدمیزاد به امید زنده است. برای امیدواری بهانه که هیچ، دلیل ها هم فراوان اند. می گویند نه؟ کافی است هر روز به «چشمستان روشن» سری بزنید وبه خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده ایم، نگاهی بیندازید. کوچک یابزرگ، فرقی نمی کند؛ اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را باهمشهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی مان، مستقیم ونزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۴ پیامک بدهید تا در کوتاه ترین زمان با شما تماس بگیریم وچشم مردم را به خبر خوششان روشن کنیم.

یادداشت

دیگر فرقی ندارد



«دیگر فرقی ندارد»، حکایت تلخ بی تفاوت شدن است. یعنی حتما برای من فرق دارد، اما کار را به آنجا رسانده ای که دیگر چیزی نمی خواهم، قیدش را زدم، عطایش را به لقایش بخشیدم. کار را با همه مواهیش رها کردم وبه خودت سپردم. اینک تو بمان و هر آنچه دلت می خواهد، تو باش وهرکاری که دوست داری انجام بده. من نیستیم، کناره می گیرم، گوشه ای می ایستم و به هر آنچه از استقلال،

انگیزه، اندیشه وخواست من بوده و تو به یغما برده ای، باحسرت نگاه می کنم. اگر در «کار وزندگی»، امور «خانه وجامعه»، اوضاع به گونه ای پیش رفت که اعضای خانواده، دوستان، همکاران، کارکنان وافرادی که با آن ها در ارتباط هستی، چنین جمله ای را به شما گفتند وخود را حذف کردند یا نادیده گرفتند، از خدا بترسید، درنگ کنید، کمی آهسته تر قدم بردارید، به رفتار و گفتار گذشته خود بیندیشید واز خودتان بپرسید به راستی کجای کار من می لنگد، چه حقی را از دیگران غصب کرده ام یاچه رفتاری ازمن سر زده که آن ها را دل سرد وسرخورده کرده است وبودن را به نبودن ترجیح داده اند؟! کناره گیری دیگران از ما وهر آنچه با ما در ارتباط است، پیام خوبی ندارد و گاه معنایش می تواند ظلمی باشد که ما در حق کسانی که زورشان به ما نمی رسد، روا داشته ایم.

● حدود، حقوق، مسئولیت پذیری

به نظر ما اگر بخواهیم «اخلاق» را تعریف کنیم، سه کلیدواژه اساسی برای آن مطرح است: «حدود»، حقوق ومسئولیت پذیری. «حدود» بدان معناست که در زندگی باید مراقب باشیم پیمان را از گلییمان درازتر نکنیم، حدومرز نگه داریم، از خط قرمزها عبور نکنیم و وارد حدومرز اختیارات، علاقه مندی ها ووابستگی های دیگران نشویم. به بیان ساده تر «اندازه نگه داریم که اندازه نکوست»، «حقوق» به این امر اشاره می کند که در زندگی باید حق خود، طبیعت، سایر انسان ها، والدین وخداوند را ادا کنیم. به بیان ساده تر مدیون احدی نباشیم ودر انجام تکالیفمان همت گماریم. بدین صورت احترام والدین حفظ می شود، محیط زیست سالم می ماند، مردم از دست وزبان ما در امان خواهند بود وخلاصه اصول اخلاقی رعایت می شود وخداوند از ما راضی می شود. «مسئولیت پذیری» نیز این امر را به آدمی گوشزد می کند که هر انسانی نخست باید نسبت به هر آنچه در پیرامون او زندگی اش وجود دارد، حساس ومسئولیت پذیر باشد ودوم مهم مسئولیتش را برای ایجاد زندگی ودنیایی بهتر باحسن نیت وتلاش برای پیشرفت وتعالی وجامعه ادا کند. بدین گونه، هر چیزی در جای خودش قرار خواهد گرفت.

● در جایگاه مدیریت

این امر زمانی اهمیت بیشتری می یابد که اثرات تصمیمات ونظرات ما در جایگاه یک مدیر بر جامعه ای کوچک یابزرگ اثر می گذارد. حال می خواهد به عنوان پدر خانواده فرد تصمیمی بگیرد که پیامدهایش بر اعضای خانواده اثرگذار است یا در مقام یک معلم رفتار وگفتار او بر دانش آموزان یک کلاس اثراتی دارد یا در مقام یک مدیر ارشد سازمانی که می تواند آینده زندگی کاری واجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. متأسفانه امروزه در بسیاری از سازمان های ما این مهم رعایت نمی شود. افراد تا در مقام مدیریت قرار می گیرند، به غلط خودشان را اولی نعمت، وصاحب صلاح وصرفه کارکنان وکل سیستم می پندارند ورفتاری از آن ها سر می زند که نتیجه اش از بین رفتن انگیزه کارکنان وعداlet سازمانی است. اصولا کار از جایی اشکال پیدا می کند که فرد در مقام مدیریت می خواهد به جای اعمال قوانین، ضوابط و اصول سازمانی بر اساس سلايق وعلاق خودش رفتار کند. بدین صورت، شایستگی ها ضایع می شود ومنابع هرز می رود، «آشنا گزینی»، جانشین «شایسته گزینی» می شود ومدير خودش را صاحب حق در همه امور می داند وبدین صورت، مدیون سازمان وذی ربطان آن می شود. چون عمر مدیریت ها کوتاه است ودنیا آن چنان که برخی گمان می کنند، ارزشی ندارد، چه زیان کار است فردی که خودش را این گونه بدهکار خدا وخلق خدا کند.

شهریار

شهریار NEWS.IR
شماره ۲۰۰۷
۲۷ شهریور ۱۳۹۲
۲۷ شهریور ۱۳۹۲

۱۳



چشمستان